


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تفسیر موضوعی قرآن کریم

فصل اول

گروه معارف دانشگاه صنعتی شاهرود

دکتر علی اصغر آخوندی



ای بهار جان و ای جان بهار
ز ابر رحمت جان ما را تازه دار
تاب قهری بر هوای دل بزن
آب لطفی بر زمین دل بیار

نزول آیات قرآن کریم هم‌زمان با بعثت آخرین پیام‌آور الهی، بسان نزول آب حیات بر کویر سوخته‌ای جان‌های خواب‌زدهٔ انسان‌های عصر را بیدار کرد و در جهانی لبریز از جهالت، گمراهی و ناپاکی، دریچه‌ای از معرفت، معنویت، محبت و زندگی جاوید را بر آنان گشود.

تلاقی دو عنصر مهم در آغاز این دوره مواهب و برکات فراوانی نصیب جامعه انسانی گشت که امروزه نیز بشر با همه وجود - آگاهانه و یا ناآگاهانه - از همه آنها برخوردار است:

اولین عنصر مهم، رشد و بلوغ فکری انسان این عصر و عبور از دوره طفولیت است؛ دیگری نزول معارف بلند و ناب الهی در قالب کتاب آسمانی قرآن می‌باشد.

آیات قرآن حقایق نابی بود که از دریای بیکران علم الهی تراوش می‌یافت و بی‌هیچ ناخالصی به آدمیان ابلاغ می‌گردید. این حقایق خالص بر وجود انسان بالغ و حقیقت‌جو چنان کارگر می‌افتاد که او را در مضامین انسان‌سازش غوطه‌ور می‌ساخت.

ترغیب‌های مستمر قرآن به تفکر و ژرف‌نگری در جهان هستی و آفرینش آسمان‌ها و زمین و موجودات ریز و درشت از جمله خود انسان، به رشد و بالندگی حوزه‌های اندیشه کمک شایانی نمود؛ تا جایی که راهنمایی‌ها و سلوک عملی پیامبر گرامی (ص) و عترت راستینش نیز راه را برای تعالی بخشیدن آن هموار ساخت.

امروز با گذشت بیش از هزار و چهارصد سال از نزول اولین آیات الهی بر پیامبر گرامی (ص) رابطه منطقی و اندیشه‌محور انسان‌ها با کتاب آسمانی خود نه تنها به سستی و زوال نگرایی، که از قوت و استحکامی بیش از پیش نیز برخوردار گشته است. در پرتو همین رابطه گران مسلمانان با ساحت قرآن کریم، گنجینه‌های بزرگی از کتاب‌های علوم قرآن و تفسیر پدید آمده که به برکت آنها میلیون‌ها انسان حق‌طلب از چشمه‌سار پاک و حیات‌بخش قرآن سیراب شده‌اند.

بی‌شک عشق‌ورزی به ساحت قرآن و بهره‌مندی از هدایت‌های آن در گرو درک و فهم صحیح آیات است و این مهم جز در پرتو «تفسیر روشمند» قرآن میسر نمی‌گردد. تفسیر روشمند، راه را برای تحلیل، شناخت و دریافت صحیح مفاهیم و معارف قرآن هموار می‌سازد؛ اما پیش از گام نهادن به این مرحله، آگاهی از اصول و کلیاتی که به مثابه مقدمه تفسیر است، ضروری می‌نماید.



واژه «تفسیر» به لحاظ لغت‌شناسی، مصدر باب تفعیل از ماده «ف س ر» است.

دو واژه «فسر» (ثلاثی مجرد) و «تفسیر» (ثلاثی مزید) به معنای برگرفتن نقاب از چهره، برداشتن پرده از روی چیزی، واضح و آشکار ساختن، روشن کردن و بیان کردن آمده است.

واژه «تفسیر» در قرآن کریم تنها یک بار، آن هم در همین معنای واژگانی‌اش به کار رفته است:

﴿وَلَا يَأْتُونَكَ بِمَثَلٍ إِلَّا جِئْنَاكَ بِالْحَقِّ أَحْسَنَ تَفْسِيرًا﴾ (فرقان، ۳۳)

«و برای تو مثلی نیاوردند، مگر آنکه ما حق را به نیکوترین بیان برای تو آوردیم.»



دانش تفسیر در اصطلاح اندیشمندان دینی به دانشی گفته می‌شود که به کمک آن، مفاهیم و معارف قرآن آشکار و دستورها، پندها و حکمت‌های آن استخراج می‌گردد.

علامه طباطبایی: تفسیر، روشن کردن مفاهیم آیات قرآن و پرده برداشتن از مراد و مقصود آنهاست.

بنابراین تفسیر نوعی تلاش فکری به منظور بیان معانی آیات قرآن و کشف مقاصد و مفاهیم آنهاست.



دانش تفسیر با نزول نخستین آیات قرآن بر پیامبر اسلام (ص) آغاز گردید و پس از عبور از مرحله نخست خود که به صورت شفاهی و انتقال از نسلی به نسلی دیگر صورت می‌گرفت، به مرحله تدوین گام نهاد.

نخستین تفسیر مدون را مجاهد بن جبر (متوفای ۱۰۴) یکی از موثق‌ترین شاگردان ابن عباس نگاشت و پس از وی اهتمام به نگارش تفسیر قرآن به یک سنت اسلامی تبدیل شد.

تاکنون تفاسیر متنوع ادبی، فلسفی، اخلاقی، روایی، تاریخی و علمی فراوانی به نگارش درآمده است.

پویندگان راه تفسیر هرکدام جلوه‌ای از زیبایی و اسرار قرآن را بازگفته‌اند.

۱. تفسیر ترتیبی

در این شیوه، مفسر مجموعه آیات قرآن را به ترتیب آیه به آیه مورد شرح و تبیین قرار می‌دهد. از مهمترین تفاسیر ترتیبی:

التبیان فی تفسیر القرآن تألیف شیخ طوسی

مجمع البیان تألیف ابوعلی فضل بن حسن طبرسی

المیزان تألیف علامه سید محمدحسین طباطبایی

تفسیر نمونه تألیف آیت الله ناصر مکارم شیرازی

تسنیم تألیف آیت الله جوادی آملی

از شیعه

مفاتیح الغیب (تفسیر کبیر) از فخر رازی

تفسیر کشاف از جار الله زمخشری

التحریر و التنویر از ابن عاشور

روح المعانی از آلوسی

تفسیر المنار از محمد عبده و سید رشید رضا

از اهل سنت

۲. تفسیر موضوعی

در این شیوه مفسر ابتدا به جمع آوری آیات مربوط به یک موضوع معین از مجموع آیات پرداخته و پس از دسته‌بندی روشمند آنها به شرح، استخراج و جمع‌بندی معارف و مقاصد هر یک می‌پردازد.

مهمترین تفاسیر موضوعی به زبان فارسی:

تفسیر موضوعی قرآن کریم از آیت الله عبدالله جوادی آملی

منشور جاوید از استاد جعفر سبحانی

پیام قرآن از آیت الله ناصر مکارم شیرازی

معارف قرآن از آیت الله مصباح یزدی

اصلي ترين روش‌هاي تفسيری

اصلي ترين روش‌هاي رايج در تفسير قرآن دو روش است:

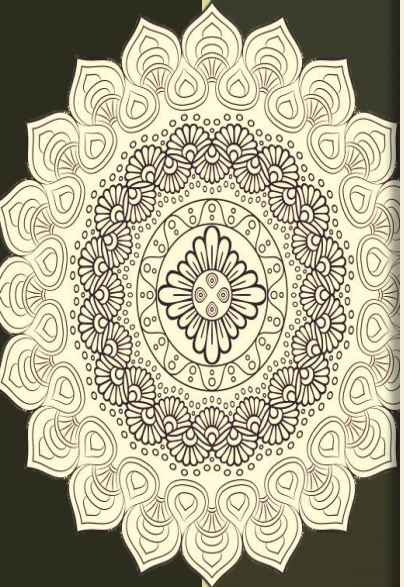
۱. روش تفسير نقلي

در اين روش مفسر در تفسير هر آيه فقط به نقل آيات ديگر، روايات، اقوال و آراي صحابه پيامبر و تابعين مي‌پردازد و از اجتهاد و اظهار نظر مگر به صورت محدود اجتناب مي‌کند.

۲. روش تفسير اجتهادي

در اين روش مفسر در تفسير آيات، بر آثار و اخبار منقول تكيه نمي‌کند، بلکه براي رسيدن به مفاهيم و معارف آيات بر پايه اندیشه‌ورزي و استدلال روشمند به کار خود مي‌پردازد.

برخي از مفسران صاحب‌نام مانند ابوعلی فضل بن حسن طبرسي در تفسير مجمع البيان و ابو عبدالله محمد بن احمد قرطبي در تفسير الجامع لأحكام القرآن با به کارگيري هم‌زمان دو روش فوق، آثار ارزشمند و ماندگاري از خود بر جای نهاده‌اند.



دلایل نیازمندی قرآن به تفسیر

قرآن خود را «کتاب هدایت»، «کتاب روشنگر»، «نور»، «قرآن گویا»، آیات خود را «نشانه‌های آشکار» و زبان خود را «عربی روشن» معرفی می‌کند. با توجه به این اوصاف، قرآن کتاب روشن و روشنی‌بخش است. حال باید پرسید آیا قرآن با این وصف اساساً نیازمند به تفسیر است؟ در پاسخ باید گفت قرآن اگرچه خود، نور و روشنگر است، هرگز بدین معنا نیست که شناخت و تحلیل صحیح مفاهیم و محتوای بلند آن بدون برخورداری از ابزارهای لازم شناخت، برای همگان ممکن است. درحقیقت تفسیر یکی از اصلی‌ترین ابزارهای شناخت معارف قرآن است؛ تا جایی که خداوند به صراحت مسئولیت خطیر تبیین وحی را بر عهده پیامبر گرامی (ص) نهاده است:

﴿وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ﴾ (نحل، ۴۴)

«و قرآن را به سوی تو فرود آوردیم تا برای مردم آنچه به سوی ایشان نازل شده است، تبیین نمایی.»
قرآن در جایی دیگر نیز تلاوت آیات بر مردم و تعلیم کتاب آسمانی را از جمله مسئولیت‌های پیامبر (ص) شمرده است.

با عنایت به این حقیقت می‌توان برخی از مهم‌ترین ویژگی‌های قرآن را که نیازمندی به تفسیر را آشکارتر می‌کند، از این قرار دانست:

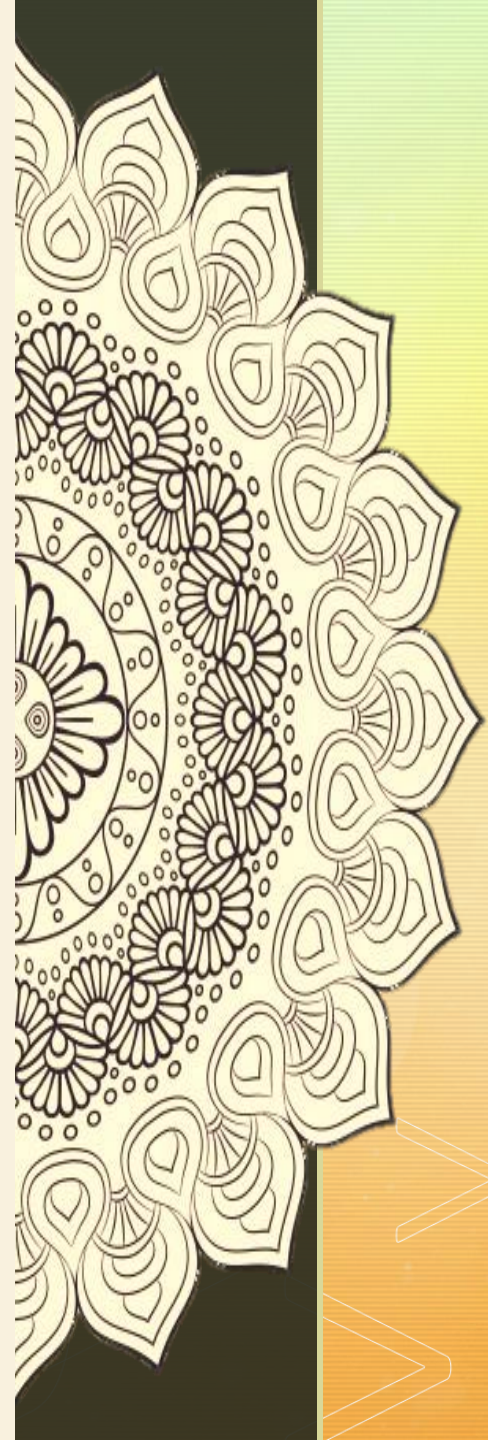
۱. بیان اصول و کلیات

یکی از ویژگی‌های بیانی قرآن کریم این است که بسیاری از معارف هدایت‌بخش خود را در قالب اصول و قواعد کلی عرضه نموده و بدین‌وسیله محورهای بنیادین و راه رسیدن به کمال را در اختیار آدمیان نهاده است.

این ویژگی از یک‌سو متن قرآن را فراتر از زمان و مکان خاص قرار داده و از دیگر سو راهیابی به فروع و جزئیات آن را به تفسیر روشمند وانهاده است.

این تشریح در گام نخست بر عهده پیامبر گرامی (ص) و جانشینان راستین آن حضرت نهاده شده و در مرحله بعد نیز به تلاش، تدبر و اجتهاد روشمند آدمیان (با بهره‌گیری از شیوه تعلیمی آن پیشوایان معصوم) موکول شده است.

امام صادق (ع) می‌فرماید: «دستور اقامه نماز بر پیامبر (ص) نازل شد، ولی کیفیت اقامه آن (تعداد رکعات آن) مشخص نبود، تا اینکه پیامبر خود این فرمان را برای مردم تشریح کرد.»



۲. به کارگیری سبک خاص در بیان مطالب

قرآن در بیان مطالب و ابلاغ پیام‌های خود سبک ویژه‌ای را برگزیده است؛ بدین بیان که مجموعه مطالب و پیام‌های مربوط به یک موضوع را در یک آیه یا سوره و یا در جزء معینی از قرآن به گونه‌ای متمرکز نیاورده است. از این‌رو، مطالب مربوط به یک موضوع مشخص را باید در لابه‌لای آیات و سوره‌های متعدد کاوید و سپس به جمع‌بندی آنها پرداخت. از سوی دیگر، پاره‌ای از آیات قرآن با تکیه بر قراین - پیوسته و یا ناپیوسته - به بیان مقاصد خود پرداخته‌اند که بدون آگاهی از این‌گونه قراین نمی‌توان به‌گونه‌ای صحیح، معانی موردنظر این آیات را دریافت. در واقع تفسیر روشمند، راه را برای رسیدن به معارف قرآن - با توجه به این سبک ویژه - هموار می‌سازد.



۳. معرفی جهان‌های فراطبیعی

ویژگی دیگر قرآن این است که ذهن و ضمیر کنجکاو بشر را به جهان‌ها و موجودات فراطبیعی و ارتباط و تأثیر و تأثر میان آنها و جهان مادی معطوف نموده است.

از این رو، تصویری که قرآن از هستی و موجودات آن پیش روی انسان می‌نهد، به مراتب گسترده‌تر و پیچیده‌تر از آن چیزی است که در قلمرو حواس محدود و جزیی‌نگر بشر قرار دارد.

آیات قرآن درباره عرش، روح، فرشتگان، جن و عوالم ملکوت، امر، برزخ و قیامت از این دست‌اند.

بی‌شک آگاهی صحیح از محتوای بلند این‌گونه آیات در گرو تشریح و تفسیر روشمند آنهاست.

۴. ژرفای نامحدود

ویژگی دیگری که قرآن را از متون دیگر ممتاز می‌سازد، ژرفای پایان‌ناپذیر آیات آن است. قرآن افزون بر معارف ارزشمندش که در قالب ظواهر و ساختار ترکیبی جملات است، معارف و پیام‌های بسیاری را نیز در خود نهفته دارد که در بستر زمان و با اندیشه‌ورزی همه‌جانبه در آیات آشکار می‌گردند.

پیامبر گرامی اسلام (ص) می‌فرماید:

«إِنَّ لِلْقُرْآنِ ظَهْرًا وَ بَطْنًا وَ لِبَطْنِهِ بَطْنٌ إِلَى سَبْعَةِ أَبْطُنٍ»

(برای قرآن ظاهری است و باطنی، و برای باطن آن [نیز] باطن دیگری است تا هفت بطن.)

علاوه بر پیامبر (ص)، جانشینان راستین آن حضرت نیز بر این مطلب تأکید بسیار نموده و ذهن مؤمنان ژرفاندیش را به این ویژگی مهم معطوف ساخته‌اند.

تأکید قرآن کریم بر ژرفاندیشی و تدبر در آیات نیز در حقیقت آگاهی دادن به ژرفای نامحدود این کتاب آسمانی است.

اساسی‌ترین رمز ماندگاری قرآن در بستر متحول زمان، ژرفای نامحدود آن است و بی‌تردید آگاهی بر این ژرفا در گرو تشریح مستمر و تفسیر روشمند قرآن است.

۵. جهان شمولی و ابدیت

اندیشه جهانی و جاودانه بودن فروغ هدایت قرآن، از اصول بنیادینی است که همه مسلمانان از آغاز ظهور اسلام تا به امروز بر آن متفق‌اند. مسلمانان همواره بر این باور بوده و هستند که قرآن در پهنه زمین و گستره زمان - تا آنجا که مرز بشریت است - کتاب هدایت همه انسان‌هاست. این باور که در عمق جان و اندیشه مسلمانان خوش نشسته، پیش از هر چیز برخاسته از اعلام آشکار و بدون ابهام خود قرآن است:

﴿وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ﴾ (قلم، ۵۲)

«و این کتاب الهی جز ذکر برای جهانیان چیز دیگری نیست.»

﴿تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا﴾ (فرقان، ۱)

«بزرگ و خجسته است کسی که بر بنده خود، فرقان (کتاب جداسازنده حق از باطل) را نازل فرمود، تا برای جهانیان هشداردهنده‌ای باشد.»

﴿قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا﴾ (اعراف، ۱۵۸)

«بگو ای مردم، من پیامبر خدا به سوی همه شما هستم.»

با توجه به ویژگی جهان‌شمولی و ابدیت قرآن، لازم می‌آید که آیات قرآن متناسب با نیازهای معرفتی و معیشتی عصرها و نسل‌ها شرح و تفسیری نوین بیابد تا بسیاری از زوایای جدید زندگی بشر از پرتو قرآن محروم نماند.

۶. فصاحت و بلاغت

قرآن گرچه پیام‌ها و معارف خود را در ساختار زبان و واژگان عربی عرضه داشته، در **انتخاب، ترکیب، چینش و پردازش کلمات و جملات خود** چنان ظرافت‌هایی را مورد توجه قرار داده که باعث شده متن قرآن در بالاترین سطح فصاحت و بلاغت قرار گیرد.

زبان عرب که انواع مجازها، استعاره‌ها، کنایه‌ها، اشاره‌ها، تشبیه‌ها، رمزها و **ضرب‌المثل‌ها** را در خود دارد، اگر وسیله انتقال معارف ناب و ژرف و حیانی گردد و به اوج فصاحت و بلاغت رسد به یقین سخن آن سرشار از دقت‌های واژه‌شناختی و ظرافت‌های مفهومی خواهد بود. افزون بر این، قرآن برای بیان معارف و معانی مورد نظر خود، از بیشترین ظرفیت الفاظ و جملات بهره جسته است.

بی‌شک راهیابی صحیح به معارف نهفته در چنین متنی، مستلزم خردورزی بسیار است که این مهم جز با تفسیر روشمند میسر نیست.

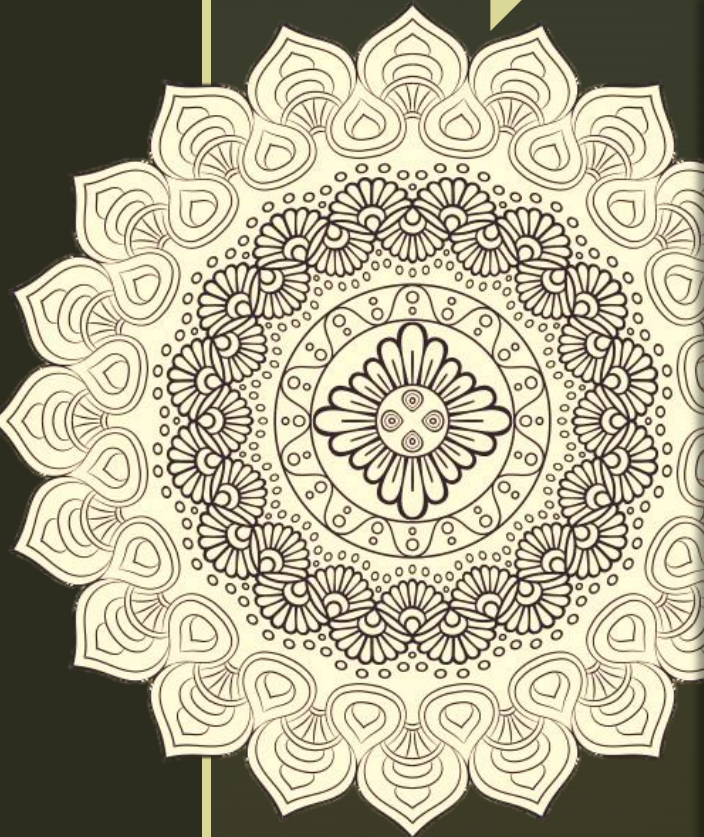
۷. اشاره‌ها و نشانه‌ها

با آنکه قرآن پیام‌های هدایت‌بخش خود را آشکارا و به صراحت اعلام داشته، در عین حال معارف و مفاهیم پلندی را نیز در قالب اشاره‌هایی ظریف بیان کرده است. اشارات تاریخی به سرگذشت امت‌های پیشین، اشاره‌های علمی به اسرار آفرینش هستی و همچنین چگونگی سیر تکوین جسم و جان آدمی و نیز اشارات اخلاقی به ظرافت‌ها و حساسیت‌های سیر و سلوک، همگی صدها نکته باریک‌تر از مو در خود جای داده‌اند.

دستیابی به مفاهیم نهفته در این اشارات، در گرو بررسی عالمانه آیات وحی و تدبر در آنها و برخورداری از دانش‌های تاریخی و تجربی و اخلاقی است. افرون بر این گاه در آیاتی از قرآن واژه‌هایی به کار رفته که به یک عادت یا رسم جاهلی آن روز اشاره دارد؛ از قبیل «نسیء» (توبه، ۳۷) یا «ورود به خانه‌ها از پشت دیوار» (بقره، ۱۸۹). آگاهی دقیق از محتوای این‌گونه آیات نیازمند تحقیق و دانستن عادات و رسوم عصر جاهلیت است.

مهم ترین شرایطی که مفسر قرآن باید واجد آنها باشد، بدین قرار است:

۱. آشنایی با زبان و ادبیات عربی
۲. شناخت اسباب نزول
۳. آگاهی از روایات، سنت و سیره پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)
۴. شناخت علوم قرآن
۵. پرهیز از پیش داوری
۶. جامع نگری
۷. آگاهی از آثار پیشینیان
۸. آگاهی از علم منطق
۹. آگاهی از سایر علوم
۱۰. رعایت دوران‌دیشی و احتیاط معقول



تفسیر روشمند

شناخت صحیح و جامع مفاهیم و معارف قرآن در گرو تفسیر روشمند این کتاب آسمانی است.

چنین تفسیری هنگامی میسر است که از یک سو مفسر قرآن از شرایط لازم برای تفسیر برخوردار باشد و از سوی دیگر منابع تفسیر نیز دارای اصالت و اعتبار لازم باشند.

بی‌توجهی به این مهم سبب شده است که مسلمانان جامعه اسلامی همواره در اثر تفسیرهای جاهلانه و یا عنادآلود اشخاص، گروه‌ها و فرقه‌های منحرف زیان ببینند. تفسیرهای ارائه شده از سوی «خوارج» در نیمه نخست سده اول هجری و همچنین گروهک «فرقان» در عصر ما، دو نمونه آشکار از این‌گونه تفسیرهاست.

تفسیر به رأی

خطرناک‌ترین روش در تفسیر قرآن «تفسیر به رأی» است؛ یعنی به جای شاگردی در مکتب قرآن، ژست معلمی را در برابر این کتاب بزرگ آسمانی به خود بگیریم و به جای استفاده از قرآن بکوشیم افکار خود را بر قرآن تحمیل کنیم. در صورتی که مفسر واجد شرایط پیشین نباشد و یا در تفسیر آیات، منابع سه‌گانه کتاب، سنت و عقل را مرجع خود قرار ندهد، نمی‌توان کار او را تفسیری ضابطه‌مند دانست.

در روایتی از پیامبر اسلام (ص) نقل شده که خداوند فرمود: «مَا آمَنَ بِی مَن فَسَّرَ بِرَأْيِهِ كَلِمَةَ» (هرکس کلام من [قرآن] را با رأی خود تفسیر کند، به من ایمان نیاورده است).

و نیز در روایت دیگری از پیامبر (ص) چنین می‌خوانیم: «مَنْ قَالَ فِي الْقُرْآنِ بِرَأْيِهِ فَقَدْ كَفَرَ» (هرکس در قرآن با رأی خود سخن بگوید، به یقین کافر شده است).

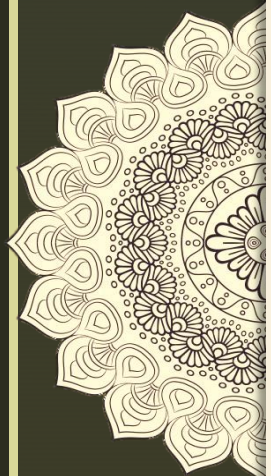
این مطلب با تعبیر گوناگون در سخنان اهل بیت (ع) نیز مورد تأکید قرار گرفته است.

اندیشمندان قرآنی با الهام از همین روایات، تفسیر بی‌ضابطه قرآن را «تفسیر به رأی» نام نهاده و همواره در آثار تفسیری و علوم قرآنی خود، مردمان را از آن برحذر داشته‌اند. آنچه به وضوح از متن روایات بر می‌آید، «تفسیر به رأی» که تفسیر ناصواب و مذموم از دیدگاه پیامبر و اهل بیت است، تفسیری است که مبنای آن تنها «رأی» و «نظر شخصی» مفسر باشد و در آن هیچ معیار دیگری از قبیل روایات، شأن نزول، دیدگاه مفسران پیشین، قواعد تفسیر و... لحاظ نگردد.

علامه طباطبایی در تحلیل معنای این روایات می‌گوید: «اضافه شدن کلمه «رأی» بر ضمیر «ه» [برایه] به معنی اختصاص، انفراد و استقلال است؛ به این معنی که مفسر به صورت مستقل و با تکیه بر آنچه خود از کلام عرب می‌فهمد، به تفسیر قرآن بپردازد و کلام خداوند را با کلام آدمیان مقایسه نماید».

عمده‌ترین عوامل تفسیر به رأی

۱. تکیه بر حدس و گمان در تحلیل معنای آیات.
۲. گرایش‌ها و حب و بغض‌های شخصی و فرقه‌ای، مذهبی و کلامی.
۳. علم‌زدگی و تکیه بر فرضیه‌های علمی بدون توجه به اصول، شرایط و قوائد تفسیر صحیح قرآن.





با تشکر از توجه شما

